

کمیته پیگیری و شورای همکاری

محمد - احسان

اول مرداد ماه هشتاد و شش

بعد از سالها خفقان و سرکوب جنبش کارگری، با اعلام موجودیت کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل مستقل کارگران و با اعتراض به مداخلات سازمان جهانی کار ILO دولت ایران، امید تازه ای در فعالان جنبش کارگری دمیده شد. کمیته پیگیری با هدف ایجاد تشکل های مستقل کارگری شروع به فعالیت کرد بعد از کمیته پیگیری، سندیکای کارگران شرکت واحد، کمیته هماهنگی واتحاد کمیته های کارگری ایجاد شد که میتوان گفت هموارشدن راه برای ایجاد این تشکل ها، آغاز گرش کمیته پیگیری بود.

اما باید دید بعد از گذشت چند سال کمیته پیگیری به هدف اولیه خود که ایجاد تشکل های کارگری بود رسیده است؟ آیا آنچنانکه بعضی از فعالین می گویند این کمیته ها به بن بست رسیده اند؟ آیا شورای همکاری دست آورد عملکرد و ضرورت کار عملی این کمیته ها بوده است؟ در این نوشته سعی می کنم به یکی از موانع ذهنی عدم موفقیت کمیته پیگیری مروری کوتاه کنم. تا گامی هر چند کوچک باشد تا فعالین دیگر با نگاهی نقادانه در جهت جمع بندی ریشه ای از عملکرد کمیته تلاش کنند. تا بتوان گامهایی استوارتر در جهت رشد و اعتلای جنبش کارگری برداشت. با بررسی تاریخ جنبش کارگری به راحتی میتوان دید که طبقه کارگر از نداشتن تشکلهای توده ای همیشه رنج برده و با پیدا کردن کوچکترین روزنه ای در جهت ایجاد این تشکلهای تلاش کرده است. تاریخ جنبش کارگری به استثناء مقاطعی کوتاه که بحرانهای سیاسی در جامعه حاکم بوده و سرکوب پلیسی مجبور به عقب نشینی شده، فاقد تشکل های توده ای و ادامه کار بوده است. در این سالها با اوج گیری اعتراضات کارگران و پراکنده بودن این مبارزات و عدم وجود سازمانهای کارگری، ضرورت ایجاد تشکل های توده ای کارگران در دستور روز جنبش کارگری قرار گرفته و فعالین کارگری تمام سعی و تلاششان را در این جهت بکار گرفتند. تلاش صادقانه این فعالین حاصلش ایجاد چند کمیته و دست آخر شورای همکاری بین این کمیته ها و فعالین کارگری بوده است. که متأسفانه نه تنها در مبارزات جاری طبقه کارگر نتوانسته اند تاثیر بسزائی داشته باشند بلکه در رسیدن به هدف اولیه خود نیز یعنی ایجاد تشکل های مستقل کارگری، نتوانسته اند گامی به جلو بردارند.

تشکل های توده ای کارگران

ابتدائی ترین مسئله پیش روی هر فعال کارگری، پاسخ گفتن درست به این سؤال است که طبقه کارگر برای آنکه بتواند بعنوان يك طبقه مستقل پا به میدان مبارزه بگذارد باید چه پروسه ای را پشت سر نهد؟ به خوبی روشن است که همه قدرت طبقه کارگر در اتحاد و یکپارچگی آن است و تا زمانیکه توده های وسیع طبقه کارگر به هویت طبقاتی شان آگاه نگردند ایجاد يك وحدت و وسیع طبقاتی امکان ندارد.

توده های کارگر در مبارزات جاری خود برای رسیدن به مطالباتشان و تداوم و قوت بخشیدن به این مبارزات به

ضرورت تشکل پی برده و با ایجاد تشکل های گوناگون توده ای که ممکن است این تشکل ها شکل های متنوعی نیز داشته باشد از کارگر منفرد بودن درآمده و وحدت با هم سرنوشتانش را تجربه می کند و با درس گیری از شکستها و پیروزیهایش می آموزد که مقابلش طبقه ای صف آرائی کرده که نیروهای مسلح، زندان و هزار و یک امکان دیگر را در اختیار دارد. می آموزد که او نیز عضوی از یک طبقه است و سرنوشتش با دیگر هم طبقه ای هایش گره خورده، می آموزد که تمام قدرت طبقه کارگر در اتحاد و یکپارچگی آن است.

می آموزد برای رسیدن به کوچکترین مطالبه ای باید مبارزه کند و پیروزی مبارزه اش متکی به تشکلی است که هر چه بیشتر هم سرنوشتانش در آن تشکل گرد آمده باشند. این پروسه، پروسه ای است که پیچ خم های بسیاری دارد و طبقه کارگر بناگزی می باید از تمام این پیچ و خم ها باید بگذرد. این راه طولانی باشد یا کوتاه، بهر حال راهی است که طبقه کارگر پیش رو دارد.

پیشروی طبقه کارگر و پیروزی در مبارزات جاری اش متکی به تشکل های توده ای کارگران است و متاسفانه در این رابطه درک درست و واحدی بین فعالین کارگری نیست. ابتدا باید یاد آور شد ایجاد تشکل های توده ای امر خود کارگران است و این تشکل ها ابتدا به ساکن به وجود نمی آیند. بلکه در محیطهای کار و به دست خود کارگران همانگونه که در بالا اشاره شد کارگران در مبارزات جاری برای رسیدن به مطالبات خود و بنا به ضرورت مبارزه و برای تداوم و قوت بخشیدن به این مبارزه، تشکل های خود را ایجاد خواهند کرد. به خوبی برای پیشروان طبقه کارگر روشن است که هر بخشی از طبقه، بنا به شرایطی که در آن قرار دارد می باید تشکلی را سازمان دهد که بتواند بخش بیشتری از هم سرنوشتانش را در آن سازمان داده و فعال نماید. تشکلی که توده های وسیعی از کارگران از طریق آن آموزش ببینند و آگاه شده و رشد یابند. در این تشکلهای توده های وسیعی از کارگران بدون در نظر گرفتن هیچ تفاوتی و صرفاً بر مبنای موقعیت مادی و اقتصادی شان، یعنی هم سرنوشت بودنشان در آن متشکل شده و در آن چون تنی واحد عمل خواهند کرد و با نیروی اتحاد و همبستگی خود نیز از تشکل هایشان دفاع خواهند کرد. اولین مشخصه تشکل های توده ای کارگران، در مستقل بودن آن از دولت و کارفرما می باشد. کارگران در تجربه عملکرد تشکل های فرمایشی را دیده اند و بخوبی میدانند تشکل های واقعی کارگری نمی تواند با جلب نظر دولت و سرمایه دار ایجاد شود، بلکه باید با نیروی همبستگی و متحد خود، سرمایه داری را مجبور به رسمیت شناختن تشکل های مستقل کارگری کنند. تنها نیروی خود کارگران و مبارزه متحدانه شان است که به تشکلهایشان رسمیت بخشیده و آنرا به سرمایه داری تحمیل می کند.

کمیته پیگیری

بخشی از فعالین کمیته پیگیری، آنرا ظرفی دربر گیرنده گرایشات متفاوت کارگری قلمداد کرده و میگویند ما در جهت ایجاد تشکل های کارگری فعالیت میکنیم. هر چند که عملاً کمیته رابه عنوان یک تشکل توده ای کارگران میدانند و سعی در تعریف ماهیت و خصوصیت کمیته بعنوان یک تشکل توده ای هستند، آنچنان که در اساسنامه ماده ۱- کمیته پیگیری خود را چنین تعریف کرده است " یکی از ابزارهای مبارزه کارگران بوده که متشکل از کارگران، نمایندگان منتخب در مجامع عمومی در بخش های مختلف کارگری و فعالین کارگری می باشد " در واقعیت امر از آنجا که این تشکل در برگیرنده بخشی از فعالین کارگری است و جدا از محیط کار و مبارزات جاری کارگران شکل گرفته، در تناقض

با تشکل های توده ای کارگران قرار گرفته و بقولی از آنجا رانده و از اینجا مانده اند. هر چند که در اساسنامه، کمیته اهداف خود را چنین بیان می کند ماده ۲- " پیشبرد امر سازماندهی و پیگیری روند ایجاد تشکل های آزاد کارگری بدون دخالت نهاد و مقامات دولتی و کارفرمایان " عملاً با گذشت تقریباً دو سال، فعالین کمیته در پیشبرد این هدف نتوانسته اند گامی عملی بردارند. که خود این امر نشان از درک غلط و دیدگاه مغشوش این فعالین در مورد تشکل های توده ای کارگران و همچنین تشکل هایی که در برگیرنده فعالین کارگری بوده و در خارج از محیط های کارشکل میگیرند، میباشد. درک غلطی که در عمل، علت عدم حضور توده کارگران در کمیته را، به توده ای نشدن این تشکل نسبت داده و تا آنجا پیش میرود که غرق شدن در جنبش خودبخودی و قانون گرائی راره اصولی ایجاد تشکلهای توده ای کارگران قلمداد میکند. نقش و وظایف فعالین کارگری را کم رنگ کرده تا حد نوشتن يك اطلاعیه و در نهایت شرکت در يك آکسیون خلاصه میکند. همانگونه که در ماده ۱۲ اساسنامه کمیته پیگیری به درستی آمده است در جهت تعریف وظایف واحد ارتباطات و تبلیغات " برقراری ارتباط با سایر فعالین کارگری و تبلیغ جهت پیوستن آنها به کمیته پیگیری و تلاش برای اتحاد عمل ضروری با سایر تشکلهای "

تشکل هایی مانند کمیته پیگیری که از فعالین کارگری تشکیل شده و بر این اساس نیز باید خود را تعریف کنند. تعریفی که در برگیرنده وظایف فعالین کارگری باشد. فعالی که دخالت در مبارزات جاری طبقه کارگر به شکل روتین و مستمر و روزانه، جزئی از وظایفش محسوب شده و با دخالت فعال در این مبارزات در جهت پیشبرد و سازماندهی اش به وسیله تشکل های خود کارگران سعی و کوشش می کند. با حضور در محیط زیست و کار کارگران، سعی در مرتبط کردن پیشروان طبقه به یکدیگر کرده و با داشتن نقشی فعال در مبارزات بخش های مختلف طبقه کارگر و جلب حمایت این بخش ها از یکدیگر در جهت منافع پایه ای و اساسی کارگران کوشش می کند و منافع کل طبقه را سر لوحه کارش قرار میدهد. فعالی که از طریق کار هر روزه و آموزش اصول مبانی علمی، سعی در آگاه کردن هم زنجیرانش می کند.

شورای همکاری

به فراخوان اتحاد کمیته های کارگری در جهت اتحاد عمل تشکلهای و فعالین کارگری بر سر مبرمترین مسائل و معضلات جنبش کارگری و ایجاد تشکل سراسری یا فراگیر کارگری، کمیته پیگیری، کمیته هماهنگی و بخشی از دانشجویان و..... پاسخ مثبت دادند و همانطور که در دعوتنامه اتحاد کمیته های کارگری پیشنهاد شده بود، شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری آغاز به فعالیت کرد. این شورا، همانگونه که در فراخوان نیز به آن اشاره شده، در پی عدم موفقیت این تشکل ها در رسیدن به هدف تعریف شده خود و پاسخ گویی به علت عدم موفقیت و معضلات پیش رویشان و همچنین ایجاد تشکل سراسری کارگران، شکل گرفت.

متأسفانه درک رایج در شورای همکاری نیز در مورد تشکل توده ای کارگران، همان درک غلط و مغشوش است که با مخدوش کردن تشکل فعالین و تشکل توده ای کارگران، نه تنها به معضلات پیش روی تشکل های شرکت کننده در شورا پاسخی نمی دهد بلکه شورا را نیز دچار همان معضلات خواهد نمود. اما طرح ایجاد تشکل سراسری و فراگیری دادن فراخوان برای همکاری و اتحاد برای ایجاد آن، نه تنها حاکی از همان درک غلط و مغشوش در مورد تشکل های

کارگری است بلکه در مواردی نیز توهم را می باشد که باید از زوایای مختلف نقد و بررسی شود که در این نوشته جای آن نیست. در اینجا فقط به اشاره ای کوتاه در مورد شورای همکاری اکتفا می کنم. این شورا در بهترین شکل کار آئی و تاثیرگذاری در جنبش کارگری، با این ترکیب که هم اکنون دارد، تنها می تواند در مقطعی جهت اتحاد عمل این تشکل ها، بر سر مسائل مشخص مانند برگزاری مراسم و غیره عمل کند.

تشکل فعالین

این تشکل از آنجا که در خارج از محیط کار ایجاد شده و بخشی از فعالین کارگری در آن متشکل شده اند میباید با تفکیک وظایف چنین تشکل هایی از تشکل های توده ای کارگران، و قراردادن منافع پایه ای و اساسی کل طبقه پیش روی خود، با افقی روشن و شفاف عمل نمایند. با تهیه و ارائه راه کارهای عملی، نقش فعالی را در مبارزات جاری کارگران داشته باشند و در جهت وحدت بخش های مختلف طبقه کارگر و مرتبط کردن پیشروان این بخش ها به یکدیگر سعی و تلاش کنند و در جهت رفع موانع سر راه طبقه کارگر، که راهی پر پیچ و پراز موانع است بکوشند. بطور نمونه تهیه بولتنی که هر کارگری با مراجعه به آن، بتواند به راه کارهای عملی در جهت پیشبرد مبارزات جاری اش دست یابد و در جهت رشد و آموزشش از آن سود برد. بولتنی که در شکل دادن به خواستها و شعارهای مبارزات جاری کارگران نقشی فعال داشته باشد.

محمد - احسان

منبع: کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل کارگری